

پیش بینی تعهد زناشویی براساس باورهای ارتباطی و طرحواره های ناسازگار اولیه با میانجی گری الگوهای ارتباطی زوجین و رضایت جنسی و سبک های حل تعارض

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

حسنارفعت^۱

کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

چکیده

پژوهش با هدف پیش بینی تعهد زناشویی براساس باورهای ارتباطی و طرحواره های ناسازگار اولیه با میانجی گری الگوهای ارتباطی زوجین، رضایت جنسی و سبکهای حل تعارض انجام گرفته است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه پیام نور کرمانشاه میباشد. حجم نمونه بر اساس روش نمونه گیری هدفمند ۳۰۰ نفر انتخاب شد. ابزارها شامل پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ (۱۹۸۸)، پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسن و اپستین (۱۹۸۱)، پرسشنامه الگوی ارتباطی کریستنسن و سالوی (۱۹۸۴)، پرسشنامه رضایت جنسی توسط لارسون (۱۹۸۸)، پرسشنامه سبکهای حل تعارض رحیم (۱۹۸۳) میباشد. روایی پرسشنامه ها مورد تایید صاحب نظران قرار گرفت. پایایی پرسشنامه ها نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب تعهد زناشویی ۰/۸۲، طرحواره ناسازگار ۰/۸۹، باورهای ارتباطی ۰/۸۳، رضایت جنسی ۰/۸۱ و سبک های حل تعارض ۰/۹۳ محاسبه شد.

واژگان کلیدی: تعهد زناشویی، باورهای ارتباطی، طرحواره های ناسازگار اولیه، الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی، سبکهای حل تعارض

مقدمه

ازدواج اساسی ترین قرارداد زندگی هر فرد محسوب می شود که رکن مهم در استواری آن تعهد بین زوجین می باشد. نتایج تحقیقات نشان داده تعهد زناشویی یکی از مهم ترین عوامل حفظ کننده ازدواج و فقدان آن مهم ترین عامل موثر در بروز طلاق به شمار می رود (رینولد و منسفیلد، ۱۹۹۹؛ کوهان و کلینباوم، ۲۰۰۲؛ دو و همکاران، ۲۰۱۶). تا زمانی که زوجین تعهد زناشویی را جدی نگیرند نمی توانند به ساختار زندگی زناشویی سالم برسند. تعهد در قبال ازدواج ترس از ترک شدن و تنها ماندن را به حداقل می رساند (دو، ۲۰۱۶).

زوجهایی که در مورد تعهد خود در برابر همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده و وفاداری دوسوگرایانه را در پیش می گیرند، در ازدواج و کار با دیگران دچار مشکل خواهند شد و این روابط غالباً منتج به بیوفایی خواهد بود. تعهد زناشویی نیرومندترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و پایداری رابطه زناشویی است (اولسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ اریکا واگنر، ۲۰۰۱؛ هیو و همکاران، ۲۰۰۷؛ جان و همکاران، ۲۰۱۷). تعهد زناشویی دربرگیرنده دو مولفه از خود گذشته‌گی نسبت به همسر و ناتوانی در ترک آن است (آلن و همکاران، ۲۰۱۱؛ تری و همکاران، ۲۰۱۳). تعهد زناشویی ماهیت وابستگی هریک از

^۱Marital commitment

Reynold & Mansfield

Cohan. & Kleinbaum,

^۲Dew

Olson

^۳Arriaga and Agne

^۴Huei

John

Allen

Terry

زوجین را در رابطه زناشویی نشان می دهد، این که فرد در رابطه زناشویی چقدر احساس امنیت می کند تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائل هستند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند (تودسکو^۱ و همکاران، ۲۰۱۲؛ نلسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۱).

تعهد زناشویی نشان دهنده دیدگاه بلند مدتی است که زوجین روی ازدواجشان دارند، لذا برای رابطه شان از خودگذشتگی می کنند، برای حفظ و تقویت همبستگی و اتحادشان گام برمی دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواجشان پاداش دهنده نیست می مانند (تری، ۲۰۱۳؛ اولسون، ۲۰۱۳). تعهد در ازدواج باعث افزایش رضایت از زندگی و رضایت زناشویی میشود (فارل^۳ و همکاران، ۲۰۱۶) بدون تعهد، رابطه سطحی، ظاهری و بدون سمت و جهت خواهد بود (فایر کلو^۴ و همکاران، ۲۰۱۱).

مطالعات پیرامون مفهوم تعهد در ازدواج از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و پژوهشگران از طریق ارائه مدل ها و نظریه های مختلف، به مفهوم سازی و تبیین آن پرداختند. (چنگک^۵؛ ۲۰۱۰). یکی از مدل های مورد توجه در این پژوهش مدل نظری آدامز و جونز^۶ (۱۹۹۷) می باشد. مطابق با این مدل، تعهد زناشویی مشتمل بر سه بعد است که شخص را به ادامه رابطه زناشویی پایبند می کند: تعهد نسبت به همسر (جاذبه زناشویی) است تعهد نسبت به ازدواج (التزام اخلاقی) و محدودیت اجتماعی (احساس به دام افتادگی) است. تعهد نسبت به همسر شامل عشق، رضایت، فداکاری و سرسپردگی می باشد. تعهد نسبت به ازدواج به مسئولیت پذیری زوجین برای حفظ ازدواج و احترام به آن گفته می شود. محدودیت اجتماعی نیز به پیامدهای عاطفی،

^۱Todesko

Nelson

^۲Fareel

^۳Faircloth

^۵Cheng

^۶Adams & Jones

مالی و اجتماعی خاتمه دادن به روابط زناشویی اشاره دارد. آدامز و جونز این سه بعد را به عنوان ابعاد شخصی، اخلاقی و ساختاری بیان می کنند، تعهد شخصی به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی و منعکس کننده نگرش فرد نسبت به شریک زندگی و رابطه اش و همچنین میزان اهمیت رابطه برای هویت فرد است. تعهد اخلاقی نشان دهنده باورهای فرد درباره چگونگی مسیر رفتار صحیح در رابطه و میزان احساس تعهد فرد به ادامه رابطه است و تعهد ساختاری به این معناست که فرد احساس می کند به دلیل عوامل بیرونی مثل عوامل فرهنگی و عرفی باید در رابطه باقی بماند (رامیرز، ۲۰۱۰؛ ارنبرگ، ۲۰۱۲؛ تانگو کوران، ۲۰۱۲).

با توجه به اهمیت تعهد زناشویی در بقا ازدواج، در سال های اخیر توجه فزاینده ای به عوامل مختلفی که روی سطح تعهد زناشویی زوجین تاثیر می گذارند شده است. طبق نظریه (اشتبرگ، ۱۹۸۷) عشق و ازدواج شامل سه بخش صمیمیت، میل و اشتیاق و تعهد است، صمیمیت مولفه رفتاری، میل مولفه هیجانی و تعهد مولفه شناختی این رابطه است. تعهد به نظر اشتبرگ، شامل تصمیم های خود آگاهانه و غیر خود آگاهانه ای می شود که فرد برای دوست داشتن دیگری اتخاذ می کند و خود را متعهد به حفظ آن می کند، تعهد جنبه شناختی دارد و شناخت های هر یک از دونفر تعهد زناشویی را تشکیل می دهد. مبتنی به این نظریه، پرداختن به سازه های شناختی موثر در تعهد زناشویی در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت.

یکی دیگر از متغیر های این پژوهش باورهای ارتباطی^۲ است. برقراری ارتباط یکی از مهارت های اصلی زندگی است. باورهای ارتباطی، عقیده یا ذهنیتی است که زن و شوهر نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته اند یکی از عواملی که میتواند

Ramirez

^۱Ehrenberg

^۲Tang & Curran

^۳Sternberg

^۴communication Beliefs

اثر بخشی یک ارتباط را تضعیف کرده و موجب عدم درک درست پیام فرستاده شده یا به عبارتی رمزگشایی صحیح آن شود عبارت از باورهای غلط، پیشداوریها و نگرشهای منفی است و منظور از باورهای ارتباطی ناکارآمد، آن دسته از باورها و تفکرات غیرمنطقی میباشد که مختص رابطه‌ی زناشویی است و در اثر استفاده افراطی ایجاد مشکل نموده است. این باورها که شامل: باور به عدم تغییرپذیری همسر، باور به تخریب کنندگی مخالفت و کمالگرایی جنسی،^۳ توقع ذهن خوانی،^۴ باور به تفاوت‌های جنسیتی،^۵ می‌تواند بر روی تعهد زناشویی و دوام رابطه زناشویی تاثیرگذار باشد و نیز براساس نظریه عقلانی عاطفی رفتاری الیس،^۶ (۱۹۸۹) داشتن رشته‌ای از افکار و باورهای غیرمنطقی می‌تواند منجر به اختلال در روابط زناشویی گردد و رضایت زناشویی کاهش می‌یابد. سوابق پژوهشی نشان داده رضایت زناشویی، تعهد زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (سلاوینسکی و زادسکایت، ۲۰۱۲، گاتمن، ۲۰۱۳) سایر پژوهش‌های حوزه زوج در این زمینه نشان داده‌اند، باورهای ارتباطی ناکارآمد متغیرهایی مانند روابط زناشویی، سازش‌پذیری را تحت تاثیر قرار می‌دهد و علت بسیاری از اختلافات زناشویی می‌باشد (مشتاقی و همکاران، ۱۳۹۲). برای یک ازدواج رضایتبخش، برقراری و تداوم ارتباط اثربخش ضروری است (مولر و وانزیل،^۷ ۱۹۹۱؛ هامامسی،^۸ ۲۰۰۵؛ جمشیدی، ۱۳۹۵).

مطالعات دیدگاه شناختی و ارتباطی در مسائل زناشویی و مطالعه عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی

^۱ Unchangeability of spouse

^۲ Destructiveness of disagreement

^۳ Sexual perfectionism

^۴ Mind reading expectation

^۵ Gender differences

^۶ Ellis

^۷ Slavinskien. & Zardeckaite

^۸ Moller & Vanzeyl

^۹ Hamamci

نشان داده است که، تفکرات و باورها نقش به سزایی در روابط زوجین ایفا می کنند (درآیدن، ۲۰۰۳). باورهای ارتباطی غیرمنطقی زمینه ساز نارضایتی و مسائل زوجین است (سروستانی، ۲۰۱۱) در واقع بسیاری از واکنشهای نامطلوب و مشکلات ناشی از باورها و تفکرات غیرمنطقی است و تا زمانی که این گونه افکار تداوم یابند، مشکلات مربوط به ارتباط، تعهد و همراهی و حل تعارضات نیز ادامه خواهد یافت (الیس، ۲۰۰۳).

یکی از پدیده های شناختی مورد توجه در حوزه روابط زناشویی طرحواره ها بوده است (دوزویس، مارتین و بابلینگ، ۲۰۰۹). طرح واره ها پدیده های روانی هستند که از طریق ایجاد راهبردهای مقابله ای رفتار بیرونی فرد را تحت تاثیر قرار می دهند (مارتین و یانگ، ۲۰۱۰). هسته اصلی این نظریه معرفی طرحواره های ناسازگار اولیه است که عمیق ترین سطوح شناختی محسوب می شود (تیم، ۲۰۱۰). طرح واره های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته اند و در سیر زندگی تکرار می شوند. طرح واره ها چگونگی تفکر، احساس، رفتار و نحوه ی ارتباط با دیگران را تعیین می کنند. باورهای عمیق و تزلزل ناپذیری که در دوران کودکی درباره ی خود، دیگران و جهان اطراف در ذهن شکل گرفته اند (یانگ، ۲۰۱۷). طبق نظریه یانگ (۱۹۹۷) طرحواره های ناسازگار اولیه به ریشه اعتقادات منفی عمیق در مورد خود، دیگران و جهان اشاره دارند که به شدت ناکارآمدند. یانگ بر این باور است که طرحواره ها در سه موقعیت شکل گرفته و تداوم می یابند. این سه موقعیت عبارت است از: نیازهای هیجانی، تجارب اولیه کودکی، خلق و خوی هیجانی. طرحواره های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون

^۱Dryden

^۲Dozois, Martin & Bieling

^۳Martin & Young

^۴early maladaptive schemas

^۵young

مایه‌های عمیقی هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته و در بزرگسالی تداوم یافته و به رابطه فرد با خودش، دیگران، دنیای اطرافش تاثیر می‌گذارد. باتوجه به نظریات یانگک طرح واره‌ها همیشه ماهیت ناسازگار خود را در روابط نشان می‌دهند و یکی از مهمترین روابط بین فردی رابطه زناشویی است لذا طرح واره‌های ناسازگار زوجین باعث تاثیر در عملکرد رابطه و کاهش تعهد زناشویی می‌شوند. نظریه‌های شناختی خانواده بک^۱ (۱۹۹۸)؛ اپستین^۲ (۱۹۹۶) نیز ادعا می‌کنند که هر فرد طرح واره‌ها و تجارب دوران کودکی خود را به رابطه زناشویی می‌آورد، آنها رابه فرزندان خود نیز منتقل می‌کند و به طور کلی ساختار روابط زناشویی را در بر می‌گیرد (داتیلیو^۳، ۲۰۱۵). پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان داده است طرح واره‌های ناسازگار اولیه به مرور زمان موجب خطاهای شناختی در مورد روابط زناشویی می‌شوند و روی روابط زناشویی تاثیر می‌گذارند (زانگ و وه^۴، ۲۰۱۰؛ ورتزل^۵ و همکاران، ۲۰۱۴؛ امانی، ۱۳۹۴). از آنجایی که در این پژوهش به دنبال آنیم که به بررسی نقش واسطه‌ای الگوهای ارتباطی^۶، رضایت جنسی^۷ و سبک‌های حل تعارض^۸ بر روی تعهد زناشویی نیز پردازیم رابطه آن را اینگونه بیان میکنیم که طبق نظریات کریستنس و سالوی^۹ (۱۹۹۱) الگوهای ارتباطی کانال‌های ارتباطی هستند که از طریق آن افراد بایکدیگر به تعامل می‌پردازند و زوجین نیز مجموعه‌ای از الگوهای ارتباطی رامیان خود برقرار می‌کنند

^۱Beck

^۲Epestin & Bakom

^۳Dattilio

^۴Zhang, & He

^۵Wetzel

^۶Cummunication Pattern

^۷Sexual satisfaction

^۸Conflict resolution styles

^۹Christensen &Salavy

ورفتارهای مشکل آفرین صرفا اجرای همان الگوهاست در واقع یکی از عوامل بین فردی موثر بر رضایت وعدم رضایت زناشویی، توجه به الگوهای ارتباطی زوجین است. کریستنس و سالوی (۱۹۹۱) در نظریات خود الگوهای ارتباطی زوجین را به سه دسته الگوی ارتباطی سازنده متقابل، توقع /کناره گیری واجتناب متقابل تقسیم کرده اند. الگوهای ارتباطی زوجین به معنای پویایی های رابطه زوجین است. این الگوها مشخص می کنند که زوجین چطور با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و در بستر رابطه ی زناشویی آن ها چه می گذرد. الگوهای مخرب به نظر می رسد اثر مخربی نیز بر رابطه زناشویی داشته باشد (چنگ، ۲۰۱۰). الگوهای ارتباطی پیش-بینی کننده قوی برای کیفیت رابطه زناشویی هستند الگوهای ارتباطی سالم و سازنده یکی از مهمترین عوامل رضایتمندی زناشویی است (گاتمن ۲۰۱۳) و از طرفی رضایت زناشویی پیش بینی کننده قوی تعهد زناشویی است (دنلی، ۲۰۰۷) و با بهبود الگوهای ارتباطی تعهد زناشویی نیز بهبود خواهد یافت (چنگ، ۲۰۱۰)

یکی از اهداف پژوهش بررسی نقش واسطه ای الگوهای ارتباطی زوجین در پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه است. طبق دیدگاه یانگ (۲۰۱۷) از آنجا که طرحواره های ناسازگار اولیه همیشه خود را در جریان یک ارتباط نشان می دهند باعث کنش وری رابطه می شوند. هنگامی که طرحواره های ناسازگار اولیه فعال می شوند سطوحی از هیجان منتشر می شود و مستقیم و یا غیرمستقیم منجر به اشکال مختلفی از آشفتگی های شناختی و کارکردی در کانال های ارتباطی بین زوجین و یا عبارتی الگوهای ارتباطی می گردد (یانگ و گلوسکی، ۲۰۱۷). کریستنس و سالوی (۱۹۹۱) بیان می کنند که الگوهای ارتباطی در اثر تربیت، تجربه، آموزش و الگوبرداری در خانواده اصلی و در طی دوران کودکی شکل می گیرد

^۱chang

^۲Gottman

^۳Danley

^۴Young,. & Gluhoski

به نظر می‌رسد از این نظر با دیدگاه یانگ، (۱۹۹۷) در مورد طرحواره‌های ناسازگار اولیه در ارتباط است. نظریه پردازان خانواده نیز معتقدند، الگوهای ارتباطی براساس قراردادهایی نامرئی که همان باورهای ارتباطی هریک از زوجین هستند به وجود می‌آید و بر روابط متقابل آن‌ها حاکم می‌شوند. این الگوهای ارتباطی از انعطاف کمی برخوردارند، و می‌توانند رضایت زناشویی را دربرگیرند یا ازبین ببرند (اسماعیل پور، ۱۳۹۲) مطالعات نیز نشان می‌دهد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌تواند بر الگوهای ارتباطی افراد تاثیر گذار باشد (نیدرهایسر^۱ و همکاران، ۲۰۱۱).

در بررسی پیشینه نقش باورهای ارتباطی زوجین بر روی الگوهای ارتباطی آنها، توجه به دیدگاه آیدلسون واپستین، (۱۹۸۹) در این باره نشان می‌دهد باورهایی که زوجین در برقراری رابطه زناشویی با همسر خود دارند چگونگی رفتار و تعامل آنها را با همسر در این رابطه دربردارد، اینکه تعامل سازنده باشد یا اجتنابی و یا پرتوقع از باورهای ارتباطی این افراد سرچشمه می‌گیرد. مارک و همکاران، (۲۰۱۱) معتقدند باورهای ارتباطی نقش مهمی در کارکردهای ارتباطی زوجین دارد، از جمله الگوهای ارتباطی را در آنها تحت تاثیر قرار می‌دهد. بدیهی است زمانی که دو فرد ناآشنا کنار هم قرار می‌گیرند دوام و کیفیت رابطه آن‌ها به دانش، مهارت و باورهای ارتباطی یکی از آن‌ها در تحکیم این ارتباط بستگی دارد. باورهای ارتباطی با الگوهای ارتباطی زوجین رابطه دارد، باورهای ارتباطی زوجین با الگوی ارتباط سازنده رابطه منفی معناداری دارد و با الگوهای ارتباط زناشویی غیرسازنده رابطه مثبت و معنادار دارد (نوابی نژاد، ۱۳۸۴).

ما معتقدیم که رضایت جنسی در پیش بینی تعهد زناشویی و در رابطه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه تاثیر دارد. در پشتیبانی این موضوع باید از نظریه لارنس و بیرز را نام برد. طبق

^۱Neiderhisser

نظریه لارنس و بیرز (۱۹۹۵) رضایت جنسی پاسخ عاطفی برخاسته از ارزشیابی ذهنی فرد از ابعاد مثبت و منفی مرتبط با رابطه جنسی با فردی دیگر است و زندگی زناشویی رضایت بخش تا اندازه ای مربوط به همین رابطه جنسی است. نیز مبتنی بر دیدگاه جانسون^۱ (۱۹۸۲) برآورده شدن تمایلات جنسی نقش موثری در روابط زوجین ایفا می کند و بی توجهی به آن موجب بروز اختلال در روابط زوج می شود. رضایت جنسی یکی از عوامل اصلی و بنیادین رضایت و تعهد به رابطه زناشویی است (اشدون و همکاران، ۲۰۱۲). (لی و همکاران، ۲۰۱۳؛ میکائیل^۵ و همکاران، ۲۰۰۰) معتقدند یکی از مولفه های تاثیرگذار بر تعهد زناشویی رضایت جنسی است و اگر این رابطه قانع کننده نباشد منجر به محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی و به خطراتدن رابطه و در نتیجه کاهش تعهد زناشویی می شود. رضایت جنسی یک عامل پیش بینی کننده قوی برای رضایت و تداوم رابطه زناشویی است (هالفورد^۶، ۲۰۰۷). رضایت و سنجش ارزیابی فرد از رابطه جنسی است که شامل دریافت فرد از ارضای برآورده شدن انتظارات خود و همسرش از رابطه و ارزیابی مثبت وی از رابطه جنسی می باشد (آفمن و متیوسن^۷، ۲۰۰۵). دو مولفه تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه ای دو طرفه با یکدیگر دارند. یعنی کاهش در رضایت جنسی باعث کاهش یا عدم تعهد در زوجین شده و کاهش در تعهد زناشویی باعث اختلالات جنسی در زوجین و در نتیجه کاهش رضایت زوج می گردد (استنز و هامونز^۸، ۲۰۰۲).

^۱Lawrance & B yers

^۲Johnson

^۳ashdown

^۴Lee

^۵Michael

^۶Halford

^۷Offman & Mattheson

^۸Stets & Hammons

در این بین عوامل متعددی هستند که بر رضایت جنسی بین زوجین تاثیرگذار است که از این میان طرحواره‌های ناسازگار بسیار مورد توجه است و می‌تواند منجر به تداوم یا قطع رابطه زناشویی شود (سیرانوسکی و آندرسون، ۱۹۹۴). طبق دیدگاه سیرانوسکی و آندرسون عوامل فیزیولوژیکی، روانشناختی و بین فردی بر روی رضایت جنسی نقش عمده ای برعهده دارند آنها به مفهوم طرحواره های جنسی به عنوان تعمیم شناختی فرد از جنبه‌های جنسی اشاره کردند و آن را حاصل تجارب اولیه فرد دانستند. مطالعات دیگر نیز در مورد ماهیت عوامل تاثیر گذار بر روابط جنسی نشان داده یکی از مهمترین عوامل شناخت‌ها، نگرش‌ها و طرح واره های افراد درباره رابطه جنسی است که رضایت از رابطه را به دنبال دارد (فوتس و ایگلکسیس، ۲۰۱۴). لذت جنسی انسان بیشتر محصول ذهن است تا جسم و عوامل شناختی معمولاً سهم مهمی در فعالیت جنسی دارند و می‌تواند عملاً موجب بروز یا جلوگیری از آن شوند. باتوجه به پیچیدگی‌های تفکر و ادراکات انسان می‌توان ادعا کرد که آنچه مهم‌تر از خود فعالیت جنسی است طرحواره ها ذهنی افراد از این رابطه است. طرح واره‌های جنسی ناکارآمد فرد حاصل طرح واره های اولیه ناسازگاری می‌باشند و ماهیت ناسازگار آنها زمانی ظاهر می‌شود که افراد در روند زندگی خود و در تعامل با دیگران و به ویژه در رابطه زناشویی به گونه ای عمل می‌کنند که طرحواره های آنها باید به هر قیمتی تایید شود، حتی اگر برداشت آنها نادرست باشد و این منجر به عدم رضایت جنسی در طرفین رابطه می‌شود (سیرانوسکی و آندرسون، ۱۹۹۴). طرح واره های ناسازگار درمورد روابط جنسی که ازدوران کودکی و اوایل جوانی در فرد شکل می‌گیرد می‌تواند عملکرد جنسی وی را تحت تاثیر قرار دهد و عدم رضایت جنسی وی و نیز شریک جنسی وی را در پی داشته باشد (لی و همکاران، ۲۰۱۳؛ هسلر و همکاران، ۲۰۱۳).

^۱Cyranowski & Andersen

^۲Fuentes & Iglesias

^۳Hesler

علاوه بر این در این پژوهش قصد داریم نقش میانجی رضایت جنسی را در رابطه بین باورهای ارتباطی و تعهد زناشویی نیز بررسی کنیم. طبق دیدگاه آندلسون و اپستین، (۱۹۸۹) باورهای ارتباطی دارای دو مولفه مهم کمال گرایی جنسی و تفاوت‌های جنسیت است. باور به کمال گرایی جنسی یعنی انتظار از همسر در برقراری رابطه جنسی در همه شرایط بدون توجه به شرایط دیگری و باور به تفاوت‌های جنسی یعنی نداشتن درک صحیح از تفاوت‌های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد و انتظار رفتاریکسان داشتن در طی رابطه، آنها معتقدند این دو مولفه نقش مهمی در عملکرد جنسی زوجین دارند و می‌تواند رضایت جنسی را تحت تاثیر قرار دهند. باورهای ارتباطی زوجین نقش مهمی در فهم و ارزیابی رضایت جنسی آنها دارد (متس و کوپاچ، ۱۹۹۰ و تامسون، ۲۰۰۷). از طرفی پژوهش های بسیاری متغیر رضایت جنسی را در پیش بینی رضایت زناشویی و تعهد زناشویی موثر دانسته‌اند (بیزرودمونز^۴ ۱۹۹۹)؛ اگینز و همکاران (۱۹۹۳)؛ لاکوئیز^۵ (۱۹۹۸)؛ کومستاک^۶ (۱۹۹۰)؛ برلسون^۷؛ هاتفیلد^۸ (۲۰۱۰)؛ به نقل از علیپور، (۱۳۹۲). پورغلامعلی، (۱۳۹۴) معتقد است بین کارکردهای جنسی و باورهای ارتباطی و تعارضات زناشویی و تعهد زناشویی رابطه وجود دارد و باورهای ارتباطی ناکارآمد رضایت جنسی زوجین را کاهش داده و بدنبال آن رضایت زناشویی و پایداری و تعهد زناشویی کاهش می‌یابد. عباسی، (۱۳۹۶)؛ شمس الدینی، (۱۳۹۵) معتقدند باورهای ارتباطی ناکارآمد،

^۱Anderson, vabstin

^۲Meets & cupach

^۳Thomson

^۴Byers & Demmons

^۵Oggins

^۶luquise

^۷comstock

^۸Burleson

^۹Hatfield

دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند و ممکن است در نتیجه کاهش رضایت زناشویی تعهد زناشویی را در پی داشته باشد.

متغیر دیگر این پژوهش که نقش میانجیگری آن بررسی خواهد شد سبک‌های حل تعارض است یکی از موضوعات مورد علاقه پژوهشگران حوزه خانواده و ازدواج، تأثیر شیوه حل تعارض بر پیامدهای زناشویی است. طبق نظریات (گاتمن، ۱۹۹۳، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴؛ بوهرلر و همکاران ۲۰۱۴) سبک‌های حل تعارض راهبردهای مدیریت کردن تعارض می‌باشد که شخص در هنگام مواجهه با تعارض از آن‌ها استفاده شود. این راهبردها عبارت است از: سبک-های یکپارچگی، ملزم شده، مسلط، اجتنابی و مصالحه. سبک‌های یکپارچگی و ملزم شده را سازنده و سبک‌های مسلط و اجتنابی را غیرسازنده دسته‌بندی می‌کنند به طور کلی سبک‌های حل تعارض به دو نوع سازنده و غیرسازنده تقسیم می‌شود. تعارض سازنده بر مصالحه و راه‌های مناسب و مثبت و تعارض غیرسازنده بر تهدید و راه‌های استبدادی و نامناسب استوار است (شاکرمی و همکاران، ۱۳۹۳).

حقیقت اساسی در زندگی زناشویی این است که همه‌ی زوجها با یک کمی تلاش رو بهرو دانسته اما برخی از زوجها نسبت به برخی دیگر در حل مشکلات توانمندتر می‌باشند، به همین دلیل می‌توان گفت که اغلب روش برخورد با مشکلات بیش از خود مشکلات می‌تواند مسئله ساز باشد (اولسون، ۲۰۱۰). سبک‌های حل تعارض می‌تواند یک شاخص کلیدی در روابط عاشقانه‌ی موفق باشد. تحقیقات نشان داده است که رابطه موفق زناشویی در آینده زوج‌ها بستگی زیادی به استفاده از شیوه‌های حل تعارض آنها دارد (ویسکریچ و دیلوی، ۲۰۱۳). توانایی مدیریت و حل تعارض‌ها به شکل سازنده می‌تواند یک رابطه‌ی قوی رادر رابطه‌ی

^۱Gottman

^۲Buehler

^۳Weisskirch & Delevi

زوج‌ها شکل دهد و زوج‌ها را برای ایجاد رابطه صمیمی و متعهدانه کمک کند (ساماهانو،^۱ ۲۰۱۳). پژوهش‌ها حاکی از آن است که انتخاب روش زوج‌ها برای مدیریت تعارض در روابطشان یک عامل مهم و تعیین کننده در کیفیت کلی رابطه است (ویلر، کیمیرلی و شاونو،^۲ ۲۰۱۰). هارمون،^۳ (۲۰۰۵) معتقد است بین سبک‌های حل تعارض با تعهد زناشویی رابطه وجود دارد. زوج‌هایی که سبک‌های حل تعارض سازنده‌ای دارند، از تعهد زناشویی بیشتری برخوردارند (بایرامی و همکاران، ۱۳۹۲).

اینکه افراد در هنگام تعارض از چه سبکی استفاده می‌کنند به آموزش‌هایی که از دوران کودکی و در سبک تربیتی خود دیده‌اند، دارد. طبق نظریه یانگ،^۴ (۱۹۹۷) در دوران کودکی هنگامی که شناخت‌های فرد شکل می‌گیرد طرح‌واره‌هایی در او شکل می‌گیرد، این طرح‌واره‌ها رفتارهای آینده فرد از او در مواجهه با شرایط زندگی پیش‌بینی می‌کنند، اگر این طرح‌واره‌ها به طور ناسازگار رشد کنند، رفتارهای ناهمسازی رابعاث می‌شوند، طرح‌واره‌های ناسازگار می‌تواند باعث شکل‌گیری شیوه‌های حل تعارض ناسازگار یا غیر سازنده شوند. با توجه به اهمیت توجه به شناخت‌ها و بویژه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه پژوهشگران مختلف تاثیر آن را بر روی سبک‌های حل تعارض مورد توجه قرار داده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌تواند سبک‌های حل تعارض را در افراد تحت تاثیر قرار دهد (اولسون،^۵ ۲۰۱۰).

در بررسی پیشینه رابطه متغیر سبک‌های حل تعارض و باورهای ارتباطی، مارک،^۶ (۲۰۱۱) معتقد است باورهای ارتباطی زوجین روی سبک‌های انتخابی آنها در حل تعارضات تاثیر دارد.

^۱Somohano

^۲Wheeler & Kimberly & Shawna

^۳Harmoon

^۴olson

^۵mark

باورهای ارتباطی همچون باور به تخریب‌کنندگی مخالفت، توقع ذهن خوانی، تغییرناپذیری همسر، تفاوت‌های جنسیتی می‌تواند سبک حل تعارض اجتناب را در رابطه زوجین پیش‌بینی کند (صادقی، ۱۳۹۳). باورهای ارتباطی مخرب، موجب انتخاب سبک‌های حل تعارض غیرسازنده مسلط و اجتنابی در زوجین می‌شود و آن نیز باعث نارضایتی زناشویی در بین زوجین می‌گردد. نارضایتی زناشویی خود یکی از زمینه‌سازهای عهدشکنی زناشویی است (آزادی فرد، ۱۳۹۵). باورهای ارتباطی باعث بی‌ثباتی پیوند زناشویی و تعهد زناشویی می‌شود (جمشیدی، ۱۳۹۵)

در سال‌های اخیر یکی از مهمترین دلایل اختلاف و جدایی همسران، بی‌وفایی، عدم تعهد بیان شده است. از سوی دیگر مدل‌سازی متغیرهای تأثیرگذار و مرتبط با تعهد میتواند در پیشگیری از اختلافات زناشویی و پربارکردن ارتباطات میان زوجین، به ویژه افزایش تعهد زناشویی کمک نماید. از آنجا که تعهد در دین و فرهنگ ما نیز یک ارزش بسیار عالی میباشد و حساسیت زیادی نسبت به آن وجود دارد و از سوی دیگر، متغیرهای تأثیرگذار بر تعهد زناشویی در ایران توجه زیادی را به خود می‌طلبند، در این راستا پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است آیا مدل ساختاری تعهد زناشویی براساس باورهای ارتباطی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه بامیانجیگری الگوهای ارتباطی زوجین و رضایت جنسی و سبک‌های حل تعارض ازبرازش مناسبی برخوردار است؟

خانواده مهم‌ترین رکن جامعه است که تعهد زناشویی در آن باعث حفظ و پایداری و سلامت نظام آن می‌شود. تعهد زناشویی به معنای تمایل فرد در جهت حفظ دائمی رابطه، از خودگذشتگی برای تقویت و همبستگی بیشتر در رابطه، وفادارماندن به همسر، خانواده و ارزش‌هاست (فارل و همکاران، ۲۰۱۶) پژوهشگران معتقدند که تعهد، پایداری زناشویی را افزایش

می‌دهد (چنگ، ۲۰۱۰). به اعتقاد آنان رابطه‌های با تعهد بالاتر، انعطاف‌پذیرترند و زوجین آرامش و امنیت روانی بیشتری دارند تحقیقات نشان داده زوجینی که در مورد تعهد خود به بلوغ فکری نرسیده‌اند و رفتاری دوسوگرایانه دارند، در روابط خود با همسر مشکل دارند و غالباً نتیجه امر بی‌وفایی خواهد بود (کالهن، ۲۰۰۴؛ حیدری، ۱۳۹۴). تعهد زناشویی به دلیل آنکه با ارتباط بهتر، شادتر و رفتار سازنده‌تر در هنگام مواجهه با مشکلات همراه است، نقش مهمی در حفظ زندگی زوجین دارد و یک مفهوم مهم در روابط زناشویی محسوب می‌شود (دوو و همکاران، ۲۰۱۶) و از آنجا که آماروبررسی‌ها در مورد علل طلاق نشان می‌دهد بسیاری از آنها به خاطر عدم تعهد زناشویی اتفاق می‌افتد به همین دلیل پرداختن به عواملی که در تعهد زناشویی نقش دارند اهمیت اساسی پیدایمی‌کند به خصوص در جامعه‌ی ما که روزانه شاهد طلاق و اختلافات زیادی در بین زوجین هستیم.

طبق بررسی‌های انجام شده تعهد زناشویی یکی از متغیرهای مهم حفظ کانون خانواده و رضایت زناشویی است (اسپرچر، ۲۰۰۴؛ روزن، ۲۰۰۵؛ دنلی، ۲۰۰۷؛ داتیلیو، ۲۰۱۵؛ فرج‌نیا، ۱۳۹۲؛ یوسفی، ۱۳۹۵؛ شاکرمی، ۱۳۹۳؛ سلیمان‌زاده، ۱۳۹۵). برخی زوج‌ها علی‌رغم تلاش و علاقمندی، از مولفه‌های موثر در حفظ کانون خانواده و تعهد زناشویی آگاهی ندارند، الگوهای ارتباطی سالم را نمی‌دانند و لذا بارها و بارها باعث رنجش یکدیگر می‌شوند و از سوی دیگر بسیاری افراد گمان می‌کنند که برخورد ارشدن از یک زندگی جنسی درست و مطلوب کارساده‌ای بوده و نیاز به کسب پیش و مهارت‌های ارتباطی در این زمینه ندارد در حالی که رضایت جنسی جهت پایداری تعاملات و ارتباطات بین زوجین بسیار مهم است و سبب تقویت

^۱chang

^۲Calhoun

^۳doo

^۴Spercher

^۵Rosen

^۶Dattilio

تعهدات زوجین به هم می شود (مک کارتی، ۲۰۰۳). در ادامه به مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است اشاره میشود؛

ازر و همکاران (۲۰۱۹) بیان داشتند که با بهبود الگوهای ارتباطی می توان باعث کاهش تعارضات زناشویی شد که در نهایت این امر باعث خواهد شد که تعهد زناشویی نیز افزایش یابد. الیوئیت و آمبرسون (۲۰۱۸) بیان داشتند که هر چقدر رضایت جنسی در یک رابطه بیشتر باشد تعهد زناشویی نیز افزایش خواهد یافت و به ثبات زندگی کمک می کند. چای و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که طرحواره‌ی ناسازگار شکست، ارتباط منفی با احساس اعتماد و قابل پیش بینی بودن شریک داشت و طرحواره‌ی بد رفتاری و بی اعتمادی به طور مستقیم با قابلیت اطمینان شریک رابطه داشت. افرادی که دارای طرحواره‌های ناسازگار محرومیت هیجانی و نقص بودند، کمتر به شریک خود ایمان داشتند و طرحواره ناسازگار نقص به طور مستقیم و منفی بر نزدیکی، رضایت، محبت و به طور کلی سازگاری رابطه اثر داشت.

هولتون و آلن (۲۰۱۵) بیان داشتند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه و قصه‌های عشق با رضایت زناشویی همبستگی معنادار داشتند. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داد که از میان قصه‌های عشق، قصه‌های گونه‌ای که شامل قصه‌های جنگ، تأثر، طنز و معما میشود، میتواند در رابطه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای داشته باشند. نتایج نشان‌دهنده‌ی تأثیرگذاری غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر رضایت زناشویی از طریق قصه‌های عشق زیرگروه گونه بود. دمیترسکو و روسو (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند با توجه به

^۱McCarthy

^۲Ezzar

^۳Elliot & Emberson

^۴Chay

^۵Holton & Alton

^۶Dumitrescu & Rusu

تحقیقات مذکور، چنین انتظار میرود که ناسازگاری بیشتر یک طرحواره باعث تعارضات بیشتر در روابط بعدی میشود. زانگ و تی سانگ^۱ (۲۰۱۲) در پژوهش خود بر روی زوجین به نقش مثبت و معنادار رضایت جنسی بر روی تعهد زناشویی دست یافتند.

لیتزینگر و گوردون^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان داد رضایت جنسی والگوهای ارتباطی به طور مستقل و باهم در پیش بینی تعهد زناشویی نقش ایفاء می کنند.

اسپرچر^۳ (۲۰۰۲) نشان داد هم برای زنان و هم مردان رضایت جنسی نقش معناداری در رضایت زناشویی آنها و رضایت زناشویی منجر به تعهد زناشویی بیشتر در آنها می شود. استنلی و مارکمنو ویتون^۴ (۲۰۰۰) نشان داد مشکلات ارتباطی به ویژه باورهای مخرب و کیفیت مخدوش رابطه زوج ها فراوان ترین علل نارضایتی جنسی و بوجود آورنده تعارضات زناشویی و عهدشکنی است بوشمن^۵ (۱۹۹۸) نشان داد بین باورهای ارتباطی با سبک های حل تعارض و رضایت از زندگی و روش های مخرب حل مسئله رابطه معناداری وجود دارد. استاکرت و بوریسیک^۶ (۲۰۰۳) به نقل از پورغلامعلی (۱۳۹۴) نشان دادند نارضایتی از ارتباط و عهدشکنی با باورهای ارتباطی رابطه معناداری دارد. و همچنین گزارش نمودند برخی مولفه های باورهای ارتباطی در زنان و برخی در مردان بیشتر است. هافرکامپ^۷ (۱۹۹۴) نشان داد که باورهای ارتباطی رابطه معناداری با حل تعارضات زناشویی دارد.

^۱ Zhang & Tesang

^۲ Litzinger & Gordon

^۳ Spercher

^۴ Stanly & Markman & Whitton

^۵ Bushman

^۶ Stackert & Bursik

^۷ Haferkamp

نمک و اولسون^۱ (۲۰۱۴)؛ بورپی ولانگر^۲ (۲۰۱۳) نشان داد باورهای ارتباطی زوجین نقش معناداری در روابط مختلف زناشویی از جمله سازگاری زناشویی، تعهد زناشویی، رضایت جنسی، کیفیت والگوهای ارتباط زوجین دارد.

استلیز^۳ (۲۰۱۴) نشان دادند که طرحواره های ناسازگار اولیه پیش بینی کننده سطح ضعیفی از روابط عاشقانه زناشویی می باشند.

ندیری و خلعتبری (۱۳۹۷) بیان داشتند، بین تعهد زناشویی و سبک های دلبستگی و حل تعارض و کمال گرایی رابطه وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است رابطه بین تعهد زناشویی و سبک دلبستگی ایمن، به صورت مستقیم (مثبت) و در حد متوسط می باشد. بین تعهد زناشویی و سبک دلبستگی نا ایمن اجتنابی و نا ایمن دوسوگرا، رابطه به صورت غیرمستقیم (منفی) و در حد ضعیف می باشد. معصومی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل و میزان رضایت جنسی زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و میزان رضایت جنسی زوجین رابطه منفی و معناداری وجود دارد و به عبارت دیگر براساس نتایج تحلیل رگرسیون، الگوی ارتباطی سازنده متقابل در جهت مثبت و الگوی ارتباطی اجتناب متقابل در جهت منفی می تواند میزان رضایت جنسی زوجین را پیش بینی کند. هادی و همکاران (۱۳۹۵) بیان داشتند که اثر مستقیم خودکنترلی و طرحواره های ناسازگار استحقاق، پذیرش جویی و محرومیت هیجانی بر تعهد زناشویی است. در مورد رابطه بین سبک دلبستگی اضطرابی با تعهد زناشویی، متغیرهای خودکنترلی، و طرحواره های بی اعتمادی، رهاشدگی، بیگانگی و محرومیت هیجانی نقش میانجی ایفا می کردند. در رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی با تعهد زناشویی نیز تنها طرحواره

^۱Nemchek, & Olson

^۲Burpee & Langer

^۳Stiles

محرومیت هیجانی نقش میانجی داشت. اما در مورد سبک دلبستگی ایمن هیچکدام از متغیرها نقش میانجی نداشتند.

شفیعی و همکاران (۱۳۹۵) بیان داشتند بین همه ابعاد طرحواره های ناسازگار اولیه و مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ هر چه میزان طرحواره های ناسازگار بیشتر باشد احتمال مشکلات زناشویی بیشتری تجربه خواهد شد. رضائیان (۱۳۹۶) نشان داد که در الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی بین زوج‌های متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنادار وجود دارد و نه در میزان تمایز یافتگی خود. در نتیجه می‌توان بیان کرد که الگوهای ارتباطی و میزان رضایت جنسی زوجین تعیین کننده‌های گرایش یا عدم گرایش زوجین به سمت طلاق باشند. شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۶) نشان داد متغیرهای رضایت جنسی، سلامت معنوی و مسئولیت پذیری با تعهد زناشویی رابطه مستقیم و معناداری دارند و متغیر سلامت معنوی با نقش میانجی مسئولیت پذیری، تعهد زناشویی را پیش بینی می‌کند اما رضایت جنسی به واسطه ی مسئولیت پذیری، به صورت میانجی، تعهد زناشویی را پیش بینی نمی‌کند و چنین بیان داشت که میتوان نتیجه گرفت رضایت جنسی، سلامت معنوی و مسئولیت پذیری دارای نقش به سزایی در تعهد زناشویی میباشد

برزگر (۱۳۹۵) معتقد است الگوهای ارتباطی می‌تواند کیفیت و صمیمیت رابطه زناشویی را متاثر کند، الگوهای ارتباطی متوقع /کناره گیر با صمیمیت و بهبود کیفیت رابطه زناشویی رابطه منفی والگوی ارتباطی سازنده با صمیمیت و بهبود کیفیت رابطه زناشویی رابطه مثبت دارد. آزادی فرد، (۱۳۹۵) نشان داد رضایت زناشویی ارتباط منفی معنی داری با مؤلفه های باورهای ارتباطی دارد همچنین سبک های حل تعارض یکپارچه و مصالحه، رابطه ی مثبت معنی دار و سبکهای مسلط، ملزم شده و اجتناب شکننده، ارتباط منفی معنی داری با رضایت زناشویی داشتند. یوسفی (۱۳۹۵) نشان داد بین باورهای مذهبی و سبک‌های حل تعارض با تعهد زناشویی رابطه مثبت و بین تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. محسن زاده (۱۳۹۴) نشان داد، سبک های حل تعارض خصمانه

ودرگیرشونده با کمترین میزان کیفیت زناشویی همراه است و سبک اعتباربخش با بیشترین میزان کیفیت زناشویی همراه است. امانی (۱۳۹۴) بیان کرد که نتایج بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین سازگاری زناشویی با عامل های شخصیتی (به جز عامل روان نژند) و رابطه منفی سازگاری زناشویی با طرحواره های ناسازگار اولیه بود. الهام ذولفقارنیا (۱۳۹۴) نشان داد برخی حوزه های طرح واره های ناسازگار توان پیش بینی الگوهای ارتباطی در زوجین را دارند. تقی یار (۱۳۹۳) بیان داشت بین همه ی متغیرهای پیش بین با متغیر صمیمیت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون همزمان نشان داد رضایت جنسی و سبک های عشق واقع گرایانه، فداکارانه و رومانتیک به طور مثبت و معناداری صمیمیت زناشویی را تبیین می نماید. تعهد به تنهایی می تواند درصد کمی از واریانس صمیمیت را پیش بینی کند ولی با وجود متغیرهای پیش بین دیگر در رگرسیون همزمان نمی تواند صمیمیت زناشویی را تبیین کند. در نتیجه رضایت جنسی بیشترین تاثیر را بر روی صمیمیت زناشویی دارد و تعهد نمی تواند صمیمیت بین زوجین را پیش بینی نماید. اعتمادی (۱۳۹۳) نشان داد همه ی ابعاد الگوهای ارتباطی (سازنده ی متقابل، اجتنابی متقابل و توقع / کناره گیری) با صمیمیت زناشویی همبستگی معنادار دارند و بین هر پنج سبک حل تعارض، به جز سبک اجتنابی نیز با صمیمیت زناشویی زنان همبستگی معنادار وجود دارد. امانی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند بین طرح واره های ناسازگار اولیه و سبک های هویت رابطه ی معناداری وجود دارد و همچنین حوزه های گوش به زنگی بیش از حد و دیگر جهت مندی بیشترین توان پیش بینی سبک های هویت را دارند علیپور (۱۳۹۲) بیان داشت بین رضایت جنسی، باورهای ارتباطی و تعارض زناشویی با تعهد زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین ارتباط مستقیم و معنی دار بین رضایت جنسی و تعهد زناشویی می باشد، ارتباط مستقیم و معنادار بین باورهای ارتباطی و تعهد زناشویی می باشد. ارتباط معکوس و معنادار بین تعارض زناشویی و تعهد زناشویی می باشد. نتایج ضریب همبستگی چندگانه نشان می دهد که زیر مقیاس های باورهای ارتباطی (باور به تخریب کنندگی مخالفت، باور به عدم تغییر پذیری همسر، توقع ذهن خوانی، کمال گرایی جنسی، درک درست نداشتن از تفاوت های شناختی و فیزیولوژیکی زن و مرد)

با تعهد زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد. هم چنین بین زیر مقیاس های تعارض زناشویی (کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه با خویشاوندان خود، کاهش رابطه ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر) با تعهد زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کاملی، قنبری هاشم آبادی و آقا محمدیان شعرباف (۱۳۹۰) نشان دادند که گروه درمانی شناختی متمرکز بر طرح واره در مقایسه با گروه کنترل به طور معنادار باعث کاهش نمره کلی در پرسشنامه طرح واره های ناسازگار اولیه یانگ شده است به جز دو طرح واره شکست و رها شدگی، رویکرد درمانی بر کاهش نمرات سایر طرح واره ها به طور معنادار موثر بود. اعتمادی و بهرامی (۱۳۸۹) نشان داد که هر دو رویکرد در تغییر متغیر های فوق اثر معناداری داشته اند.

با عنایت به مطالب گفته شده باید گفت بسیاری از زوج ها از سبک های حل تعارض موثر آگاهی ندارند، اهمیت طرح واره های ناسازگار و باورهای ارتباطی خود را در زندگی زناشویی نمی دانند، اگر زوجین با طرحواره ها و باورهای ارتباطی آشنا باشند به طور موفق تر می توانند مشکلات خود را حل کنند و از تعارضات، مشاجره ها، آسیبهای زیادی مانند طلاق پیشگیری کنند. متأسفانه در جامعه ما زوجین از همان ابتدا که با هم آشنا میشوند تا زمانی که تشکیل زندگی می دهند از مشاوره های زناشویی و وجود رویکردهای مهم روانشناسی آگاهی ندارند به همین دلیل در زندگی زناشویی با مشکلات زیادی رو به رو می شوند. بنابراین آگاهی زوجین و بکارگیری این رویکردها برای سلامت خانواده و جامعه حائز اهمیت فراوان است. با توجه به پیش بینی نقش موثرین متغیرها در تعهد زناشویی و باتوجه به اینکه در تحقیقات قبلی به صورت همزمان به بررسی متغیر های فوق پرداخته نشده است، شکاف و خلاء پژوهشی با هدف بررسی همزمان عوامل موثر بر روی تعهد زناشویی در کنارهم و تبیین اولویت نقش پیش بینی کنندگی آنها بر روی تعهد زناشویی مشهود می باشد. لذا انجام این پژوهش در جهت ارائه راهکارهای لازم برای افزایش تعهد زناشویی و برخورداری از رضایت

زناشویی بیشتر و کاهش میزان نارضایتی، خیانت و طلاق مفید خواهد بود واز سویی نبود تحقیقات علمی مدون و شواهد تجربی در خصوص تاثیر چندین متغیر مستقل و میانجی بر روی تعهد زناشویی ضرورت انجام تحقیق را دوجندان نموده است که در این پژوهش شکاف تحقیقاتی موجود نیز پوشش داده خواهد شد. نتایج این تحقیق و راهکارهای کاربردی آن می تواند مورد استفاده زوجین، دفاتر مشاوره و سازمان‌های حمایتی و مشاوره‌ای خانواده قرار گیرد، از این نظر ضرورت انجام این پژوهش توسط پژوهشگر احساس می گردد.

بخش اول: بررسی روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد با بیش از ۳ سال سابقه زندگی زناشویی بوده است. جهت انتخاب نمونه از روش نمونه گیری خوشه ای و مرحله ای استفاده گردیده است که به طور کلی ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. جهت جمع آوری اطلاعات این پژوهش از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای به منظور گردآوری مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش استفاده شده است. جهت جمع آوری داده‌های مورد نیاز از نمونه مورد مطالعه از روش جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه استفاده شد. ابزارها شامل؛ پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷) شامل ابعاد تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری و دارای ۴۴ سؤال بود که در این پژوهش به ۲۳ گویه از خیلی کم تا خیلی زیاد تغییر یافت. پرسشنامه ی طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ در سال ۱۹۸۸ دارای ۷۰ ماده است که به ۳۳ گویه و طیف پنج گزینه ای از خیلی کم تا خیلی زیاد تغییر یافت. این پرسشنامه برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شد. این طرحواره ها عبارت است از: ۱- طرح واره رهاشدگی ۲- طرح واره بی اعتمادی / سوء رفتار ۳- طرح واره محرومیت هیجانی ۴- طرحواره وابستگی/ بیکفایتی ۵- طرحواره آسیبپذیری نسبت به ضرر/ بیماری ۶- طرحواره نقص/ شرم ۷- طرح واره ناکامی ۸- طرح واره بازداری هیجانی ۹- طرح واره فداکاری ۱۰- طرح واره معیارهای سرسختانه. ۱۱- طرحواره استحقاق ۱۲- طرحواره

خود انضباطی ناکافی ۱۳- طرح واره انزوای اجتماعی ۱۴- طرحواره اطاعت ۱۵- طرحواره گرفتاری و دردام افتادگی. پرسشنامه باورهای ارتباطی آیدلسن و اپستین (۱۹۸۱) شامل ۴۰ سوال است که پنج خرده آزمون به نامهای باور به مخرب بودن مخالفت، باور به تغییر ناپذیری همسر، ذهن خوانی، کمال گرایی جنسی، باور به تفاوت‌های جنسی دارد در این پژوهش اعداد گویه ها ۲۵ گویه در طیف پنج گزینه ای از خیلی کم تا خیلی زیاد تقلیل یافت. پرسشنامه الگوی ارتباطی توسط کریستنسن و سالوی (۱۹۸۴) در دانشگاه کالیفرنیا به منظور بررسی الگوهای ارتباطی متقابل زوجین طراحی شد. این پرسشنامه ۳۵ ماده دارد و سه الگوی ارتباطی سازنده متقابل، اجتناب متقابل، توقع/کناره گیری را ارزیابی می کند که در این پژوهش تعداد سوالات از ۳۵ به ۳۱ ماده و پنج گزینه خیلی کم تا خیلی زیاد تغییر یافت. پرسشنامه رضایت جنسی توسط لارسون در سال ۱۹۸۸ طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۲۵ عبارت است که ۴ مؤلفه تمایل به برقراری روابط جنسی، نگرش جنسی، کیفیت زندگی جنسی و سازگاری جنسی را ارزیابی می کند. در این پژوهش تعداد گویه ها به ۱۵ گویه در طیف پنج گزینه ای از خیلی کم تا خیلی زیاد تغییر یافت. پرسشنامه سبکهای حل تعارض رحیم (۱۹۸۳) دارای پنج سبک حل تعارض عبارت از سبک های یکپارچگی، مسلط، ملزم شده، اجتناب کننده و مصالحه هستند و ۲۸ سوال در طیف پنج گزینه ای لیکرت استفاده شده است.

بخش دوم: یافته‌ها

در این بخش با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر به بررسی سؤال‌های مرتبط با اثرات مستقیم متغیرها بر یکدیگر می پردازیم. در ادامه جدول ۴-۴۰ مربوط به اثرات مستقیم ارائه شده است.

جدول ۱: برآوردهای ضرایب اثر مستقیم

| T | خطای استاندارد | پارامتر استاندارد شده | برآورد متغیرها |
|---|----------------|-----------------------|----------------|
|---|----------------|-----------------------|----------------|

| برآورد | | | |
|--------|-------|---------|---|
| ۵/۲۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۲** | (۱) اثر مستقیم باورها بر: رضایت جنسی |
| -۶/۲۰ | ۰/۰۰۱ | -۰/۶۳** | (۲) اثر مستقیم طرحواره بر: رضایت جنسی |
| ۶/۲۵ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۶** | (۳) اثر مستقیم باورها بر: الگوهای ارتباطی |
| -۶/۹۶ | ۰/۰۰۱ | -۰/۶۸** | (۴) اثر مستقیم طرحواره ها بر: الگوهای ارتباطی |
| ۴/۶۴ | ۰/۰۵ | ۰/۷۲** | (۵) اثر مستقیم باورها بر: سبکهای تعارض |
| -۷/۶۴ | ۰/۰۱ | -۰/۷۲** | (۶) اثر مستقیم طرحواره بر: سبکهای تعارض |
| ۶/۶۱ | ۰/۰۱ | ۰/۶۲** | (۷) اثر مستقیم باورها بر: سبکهای تعهد |
| -۶/۶۴ | ۰/۰۱ | -۰/۵۲** | (۸) اثر مستقیم طرحواره بر: تعهد زناشویی |
| ۶/۱۲ | ۰/۰۰۱ | ۰/۶۱** | (۹) اثر مستقیم رضایت جنسی بر تعهد زناشویی |
| ۶/۲۴ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۲** | (۱۰) اثر مستقیم الگوهای ارتباطی بر تعهد زناشویی |

| | | | |
|------|-------|--------|--|
| ۶/۴۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۳** | ۱۱) اثر مستقیم سبکهای تعارض بر تعهد زناشویی |
|------|-------|--------|--|

۰/۰۱P < ** ۰/۰۵P < *

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق، اثر مستقیم باورها بر رضایت جنسی برابر با ۰/۵۲ و با توجه به مقدار (T= ۵/۲۰) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت باورها بر رضایت جنس تأثیرگذار است.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق، اثر مستقیم طرحواره ها بر رضایت جنسی برابر با ۰/۶۳- و با توجه به مقدار (T=- ۶/۲۰) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت طرحواره ها بر رضایت جنسی تأثیرگذار است.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق، اثر مستقیم باورها بر الگوهای ارتباطی برابر با ۰/۵۶ و با توجه به مقدار (T= ۶/۲۵) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت باورها بر الگوهای ارتباطی تأثیرگذار است.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق، اثر مستقیم طرحواره ها بر الگوهای ارتباطی بر رفتار فعال برابر با ۰/۶۸- و با توجه به مقدار (T=- ۶/۹۶) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت طرحواره ها بر الگوهای ارتباطی تأثیرگذار است.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق، اثر مستقیم باورها بر سبک تعارض برابر با ۰/۷۲ و با توجه به مقدار (T=- ۴/۶۴) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت باورها بر سبک تعارض تأثیرگذار است.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق، اثر مستقیم طرحواره ها بر سبک تعارض برابر با ۰/۷۲ و با توجه به مقدار ($T= ۷/۶۴$) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت طرحواره ها بر سبک تعارض تأثیر گذار است.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق، اثر مستقیم باورها ارتباطی با تعهد زناشویی برابر با ۰/۵۲ و با توجه به مقدار ($T= ۴/۶۴$) معنی دار می باشد. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت م باورها بر سبکهای تعارض تأثیر گذار است.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق، اثر مستقیم رضایت جنسی بر تعهد زناشویی برابر با ۰/۶۲ و با توجه به مقدار ($T= ۶/۱۲$) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت رضایت جنسی بر تعهد زناشویی تأثیر گذار است.

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول فوق، اثر مستقیم سبک تعارض بر تعهد زناشویی برابر با ۰/۵۳ و با توجه به مقدار ($T= ۶/۴۰$) در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت سبک تعارض بر تعهد زناشویی تأثیر گذار است.

در این بخش با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۲ به بررسی سؤالهای مرتبط با اثرات غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر می پردازیم. در ادامه جدول ۲ مربوط به اثرات غیرمستقیم ارائه می شود.

جدول ۲: برآورد ضرایب اثر غیرمستقیم

| خطای | | برآورد متغیرها |
|----------------|------------------|---|
| خطای استاندارد | برآورد استاندارد | |
| ۰/۰۱ | ۰/۸۶** | اثر غیرمستقیم باورهای بر تعهد با نقش میانجی رضایت جنسی: |

| | | |
|------|--------|--|
| ۰/۰۱ | ۰/۹۳** | اثر غیرمستقیم باورهای بر تعهد با نقش میانجی الگوهای ارتباطی: |
| ۰/۰۱ | ۰/۸۴** | اثر غیرمستقیم باورها بر تعهد زناشویی با نقش میانجی سبکهای تعارض: |
| ۰/۰۱ | ۰/۸۳** | اثر غیرمستقیم طرحواره ها بر تعهد زناشویی با نقش میانجی سبکهای تعارض: |
| ۰/۰۵ | ۰/۶۵* | اثر غیرمستقیم طرحواره ها بر تعهد زناشویی با نقش میانجی سبکهای تعارض: |
| ۰/۰۱ | ۰/۷۳** | اثر غیرمستقیم طرحواره ها بر تعهد زناشویی با نقش میانجی سبکهای تعارض: |

با توجه به نتایج به دست آمده اثر غیرمستقیم باورها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی رضایت جنسی برابر با ۰/۸۶ و در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت باورها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی رضایت جنسی به صورت مثبت و معنادار تأثیر گذار است.

با توجه به نتایج به دست آمده اثر غیرمستقیم باورها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی الگوهای ارتباطی برابر با ۰/۹۳ و در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت باورها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی الگوهای ارتباطی به صورت مثبت و معنادار تأثیر گذار است.

با توجه به نتایج به دست آمده اثر غیرمستقیم باورها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی سبکهای تعارض برابر با ۰/۸۴ و در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می توان گفت متغیر باورها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی سبکهای تعارض به صورت مثبت و معنادار تأثیر گذار است.

با توجه به نتایج به دست آمده اثر غیرمستقیم طرحواره ها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی رضایت جنسی برابر با ۰/۸۳ و در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. بر این اساس در پاسخ به این

فرضیه می‌توان گفت متغیر طرحواره‌ها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی رضایت جنسی به صورت مثبت و معنادار تأثیرگذار است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده اثر غیرمستقیم اثر غیرمستقیم طرحواره‌ها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی الگوهای ارتباطی برابر با $0/65$ و در سطح $0/05$ معنی‌دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می‌توان گفت متغیر اثر غیرمستقیم طرحواره‌ها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی الگوهای ارتباطی به صورت مثبت و معنادار تأثیرگذار است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده اثر غیرمستقیم طرحواره‌ها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی سبک‌های تعارض برابر با $-0/65$ و در سطح $0/05$ معنی‌دار است. بر این اساس در پاسخ به این فرضیه می‌توان گفت متغیر طرحواره‌ها بر تعهد زناشویی از طریق متغیر میانجی سبک‌های تعارض به صورت مثبت و معنادار تأثیرگذار است.

بخش سوم: مشخصه‌های برازندگی مدل و مدل برازش شده

حال به منظور بررسی مدل نهایی با استفاده از نرم‌افزار PLS به بررسی برازندگی آن با داده‌ها می‌پردازیم. برای برآورد پارامترها، بهترین برازندگی روش بیشینه احتمال است. در روش مذکور یک فرایند تکرار شونده به منظور برآورد پارامترها انجام می‌گیرد و بر پایه این برآورد تابعی به نام تابع برازندگی محاسبه می‌گردد. این تابع ضریبی است که برازندگی پارامترها را با داده‌ها توصیف می‌کند. زمانی که یک مدل دقیقاً مشخص گردید و دارای ویژگی‌های همانند بوده و برآورد و آزمون آن امکان‌پذیر گردد، در این صورت برای برازندگی آن می‌توان از شاخص‌های برازش استفاده نمود. x^2 یکی از پرکاربردترین این شاخص‌ها به شمار می‌آید که هرچه مقدار آن به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است. باین‌حال با توجه به اینکه مقدار مجذور کای تحت تأثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل ساختاری قرار

1maximum likelihood

2Fit indexes

می گیرد و لذا شاخص مطمئنی نیست، از شاخص های دیگری نیز برای برازش مدل ها استفاده می شود. ریشه خطای میانگین مجذورات تقریباً شاخص دیگری است که برای مدل های خوب کمتر از ۰/۰۵ و برای مدل های متوسط بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ و برای مدل های ضعیف بالاتر از ۰/۱ است (براون و سودک، ۱۹۹۳). همچنین بر اساس یک قاعده کلی، شاخص های برازندگی تطبیقی (CFI)؛^۴ نرم شده برازندگی (NFI)؛^۳ نرم نشده برازندگی (NNFI)؛^۴ نیکویی برازش (GFI)؛^۵ و نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)؛^۶ برای مدل های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ خواهند بود. مقادیر بالای ۰/۸۰ نیز نشان دهنده برازش نسبتاً خوب یا متوسط مدل هستند. در جدول ۴-۵ شاخص های برازش مدل پژوهش ارائه شده است.

جدول ۳: شاخص های برازش مدل

| شاخص | مقادیر محاسبه شده |
|--|-------------------|
| مجدور کای | ۲/۲۹ |
| درجه آزادی | ۱۰۸ |
| معناداری | ۰/۰۵۷ |
| ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA) | ۰/۰۷ |

۱Root Mean Square Error of Approximation

۲Comparative Fit Index

۳Normed Fit Index

۴Non-Normed Fit Index

۵Goodness of Fit Index

۶Goodness of Fit Index

| | |
|------|------------------------------------|
| ۰/۹۰ | شاخص برازش استاندارد (NFI) |
| ۰/۸۸ | شاخص نرم نشده برازش (NNFI) |
| ۰/۹۴ | شاخص تطبیقی برازش (CFI) |
| ۰/۹۱ | شاخص نیکویی برازش (GFI) |
| ۰/۸۷ | شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) |

از تقسیم مجذور کای بر درجات آزادی شاخصی به دست می‌آید که چنانچه کوچک‌تر از ۳ باشد قابل قبول می‌باشد. با این حال از آنجا که این شاخص برازش تحت تأثیر حجم نمونه و همبستگی‌های موجود در مدل است، از سایر شاخص‌های برازش از جمله ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA)، شاخص نرم شده برازش (NFI)، شاخص نرم نشده برازش (NNFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، نیکویی برازش (GFI) و نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) نیز استفاده می‌گردد. بر اساس نتایج به دست آمده با توجه به اینکه مقدار (RMSEA=۰/۰۷۲) است می‌توان برازش مدل را مطلوب دانست. همچنین در سایر شاخص‌ها از جمله (NFI، CFI، GFI و AGFI) نتایج بالاتر از ۰/۹۰ می‌باشد که حاکی از برازش قابل قبول مدل می‌باشند. نتایج نشان داد که بین باورهای ارتباطی و الگوهای ارتباطی رابطه وجود دارد این بدان معنی است که باورهای ارتباطی می‌توانند بر میزان الگوهای ارتباطی اثر بگذارند یعنی با افزایش باورهای ارتباطی، الگوهای ارتباطی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. این رهیافت با مطالعات علیپور (۱۳۹۲)، اعتمادی (۱۳۹۳) و آزادی فرد (۱۳۹۵) همخوان می‌باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند. نتایج حاکی از آن بود که باورهای ارتباطی با رضایت جنسی رابطه معناداری بیت آنها وجود دارد. این بدان معنی است که هر چه میزان باورهای ارتباطی بالا رود میزان رضایت جنسی زوجین افزایش می‌یابد و بالعکس. این رهیافت با مطالعات معصومی و همکاران (۱۳۹۶) همخوان می‌باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند. نتایج نشان داد که

باورهای ارتباطی با سبکهای حل تعارض رابطه معناداری بین آنها وجود دارد. این بدان معنی است که با افزایش باورهای ارتباطی میزان استفاده از سبکهای تعارض نیز افزایش می یابد و بالعکس. نتایج این رهیافت با مطالعات برزگر (۱۳۹۵) همخوانی دارد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد بین باورهای ارتباطی و تعهد زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. این بدان معنی است که با افزایش میزان باورهای ارتباطی میزان و وضعیت تعهد زناشویی نیز افزایش می یابد و بالعکس. نتایج این پژوهش با مطالعات معصومی و همکاران (۱۳۹۶)، تقی یار (۱۳۹۳)، محمدی (۱۳۹۳)، علیپور (۱۳۹۲) برزگر (۱۳۹۵)، یوسفی (۱۳۹۵) همسو می باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج حاکی از آن است که بین طرحهای ناسازگار اولیه بر الگوهای ارتباطی اثرگذار است به عبارتی بین طرح های ناسازگار با الگوهای ارتباطی رابطه معناداری وجود دارد به طوری که با افزایش استفاده از طرح های ناسازگار میزان استفاده از الگوهای ارتباطی نیز کاهش می یابد. این رهیافت با مطالعات شفیعی و همکاران (۱۳۹۵) همخوان می باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد که بین طرح های ناسازگار اولیه و رضایت جنسی رابطه معناداری وجود دارد. این بدان معنی است که طرح های ناسازگار اولیه بر میزان رضایت جنسی اثرگذارند و از طریق آن می توان رضایت جنسی را پیش بینی کرد. نتایج این فرضیه با مطالعات شفیعی و همکاران (۱۳۹۵)، امانی (۱۳۹۴) و الهام ذولفقارنیا (۱۳۹۴) همخوان بود چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد که استفاده از طرح های ناسازگار اولیه بر میزان استفاده از سبکهای حل تعارض را کاهش می دهد بنابراین طرح های ناسازگار اولیه بر میزان سبکهای حل تعارض اثر می

گذارد این رهیافت با پژوهش های مطالعات شفيعی و همکاران (۱۳۹۵)، امانی (۱۳۹۴) و الهام ذولفقارنیا (۱۳۹۴) همخوان بود چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد که بین طرحواره های ناسازگار اولیه بر میزان تعهد زناشویی اثر دارد. این امر بدان معنی است که طرح های ناسازگار می توانند میزان تعهد زناشویی را افزایش یا کاهش و پیش بینی کنند. رابطه بین طرحواره های ناسازگار و تعهد یک رابطه معنادار منفی است یعنی با افزایش میزان طرحواره های ناسازگار میزان تعهد زناشویی کاهش می یابد. این رهیافت با پژوهش های مطالعات شفيعی و همکاران (۱۳۹۵)، امانی (۱۳۹۴) و الهام ذولفقارنیا (۱۳۹۴) همخوان بود چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد که بین الگوهای ارتباطی و تعهد زناشویی رابطه معناداری وجود دارد این بدان معنی است که با افزایش استفاده از الگوهای ارتباطی می توان میزان تعهد زناشویی را افزایش داد و میزان تعهد زناشویی را می توان از طریق الگوهای ارتباطی پیش بینی کرد. این نتیجه با مطالعات معصومی و همکاران (۱۳۹۶)، تقی یار (۱۳۹۳)، محمدی (۱۳۹۳)، علیپور (۱۳۹۲) برزگر (۱۳۹۵)، یوسفی (۱۳۹۵) همسو می باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد که بین رضایت جنسی و تعهد زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش میزان رضایت جنسی می توان شاهد تعهد زناشویی بالا بود. بنابراین رضایت جنسی یکی از عواملی است که می تواند در افزایش یا کاهش تعهد زناشویی اثرگذار باشد. این رهیافت با مطالعات علیپور (۱۳۹۲) و شیخ الاسلامی (۱۳۹۶) همخوان می باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد بین سبکهای حل تعارض و تعهد زناشویی رابطه مستقیمی وجود دارد. این بدان معنی است که سبکهای حل تعارض می اندد میزان تعهد زناشویی را در زوجین افزایش دهند و بالعکس با استفاده کمتر از این سبک ها میزان تعهد زناشویی نیز به حد مطلوب نخواهد رسید.

این رهیافت با پژوهش های محسن زاده، (۱۳۹۴)

اعتمادی (۱۳۹۳)، آزادی فرد، (۱۳۹۵)، یوسفی (۱۳۹۵) همخوان می باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد بین الگوهای ارتباطی با اثر مستقیم و با اثر غیرمستقیم باورهای ارتباطی میتوان میزان تعهد زناشویی را افزایش داد. این امر نشان از آن دارد که با افزایش میزان استفاده از الگوهای ارتباطی و با کمک باورهای ارتباطی می توان تعهد زناشویی را در زوجین افزایش داد این فرضیه با مطالعات این نتیجه با مطالعات معصومی و همکاران (۱۳۹۶)، تقی یار (۱۳۹۳)، محمدی (۱۳۹۳)، علیپور (۱۳۹۲) برزگر (۱۳۹۵)، یوسفی (۱۳۹۵) همسو می باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد که رضیت جنسی بر میزان تعهد زناشویی به طور مستقیم و به طور مستقیم از طریق باورهای ارتباطی می تواند میزان تعهد زناشویی را افزایش داد. این امر بدان معنی است که رضایت جنسی از طریق باورهای ارتباطی می توان اثربخشی لازم را در راستای افزایش میزان تعهد زناشویی به ثمر رساند این رهیافت با مطالعات علیپور (۱۳۹۲) و شیخ الاسلامی (۱۳۹۶) معصومی و همکاران (۱۳۹۶)، تقی یار (۱۳۹۳)، محمدی (۱۳۹۳)، برزگر (۱۳۹۵) و یوسفی (۱۳۹۵) همخوان می باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج حاکی از آن است که سبکهای حل تعارض می تواند به طور مستقیم بر میزان تعهد زناشویی و از طریق تاثیر غیرمستقیم با میانجی بندن باورهای ارتباطی بر میزان تعهد زناشویی اثرگذار باشد. نتایج این امر با مطالعات علیپور (۱۳۹۲) و شیخ الاسلامی (۱۳۹۶) معصومی و همکاران (۱۳۹۶)، تقی یار (۱۳۹۳)، محمدی (۱۳۹۳)، برزگر (۱۳۹۵)، محسن زاده، (۱۳۹۴)، اعتمادی (۱۳۹۳)، آزادی فرد، (۱۳۹۵)، یوسفی (۱۳۹۵) همخوان می باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد که بین الگوهای ارتباطی و تعهد زناشویی با نقش میانجی طرحواره های ناسازگار رابطه وجود دارد. این امر نشان می دهد که استفاده از الگوهای ارتباطی و طرحواره

های ناسازگار می توان بر میزان تعهد زناشویی اثر گذاشت. الگوهای ارتباطی اثر مثبت و طرحواره ها اثر منفی بر میزان تعهد زناشویی دارند. این رهیافت با مطالعات (۱۳۹۵)، امانی (۱۳۹۴) و الهام ذولفقارنیا (۱۳۹۴)، شفیعی و همکاران (۱۳۹۵)، معصومی و همکاران (۱۳۹۶)، تقی یار (۱۳۹۳)، محمدی (۱۳۹۳)، علیپور (۱۳۹۲) برزگر (۱۳۹۵)، یوسفی (۱۳۹۵) همسو می باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج نشان داد که رضایت جنسی بر میزان تعهد زناشویی از طریق نقش میانجی طرحهای ناسازگار اولیه رابطه وجود دارد و می توان از طریق اثرهای مستقیم و غیر مستقیم این دو متغیر میزان تعهد زناشویی را کاهش یا افزایش داد. بنابراین اگر میزان این طرحواره ها بالا باشد میزان تعهدات زوجین کاهش می یابد.

سبک های حل تعارض نقش میانجی بین طرحواره های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی دارد. این رهیافت با مطالعات شفیعی و همکاران (۱۳۹۵)، امانی (۱۳۹۴)، علیپور (۱۳۹۲) و شیخ الاسلامی (۱۳۹۶) معصومی و همکاران (۱۳۹۶)، تقی یار (۱۳۹۳)، محمدی (۱۳۹۳)، برزگر (۱۳۹۵) و یوسفی (۱۳۹۵) همخوان می باشد چراکه به نتایج مشابهی دست یافتند. به طور کلی، تعهد زناشویی به عنوان یک احساس تداوم به رابطه و تلاش و انگیزه برای حفظ روابط اشاره دارد و به عنوان یک عامل اصلی برای وفاداری و ثبات خانواده است. تعهد زناشویی تلقی فرد نسبت به شریک زندگی و رابطه با او را دربر دارد، میزان احساس و عاطفه زوج را نسبت به طرف مقابل خود می رساند و اینکه در تعهد زناشویی عوامل عرف و قوانین آنها را به عهد خود پایبند می کند. اما عواملی هستند که میزان تعهد زناشویی را در بین زوجین تحت تاثیر قرار می دهند. یکی از این عوامل طرح های ناسازگار اولیه است که تفکر، احساس، رفتار و نحوه ی ارتباط با دیگران را در زوجین به سوی منفی گرای می کشاند و اورا از تعهدات زناشویی خود دور می سازد چرا که این طرحواره ها از طریق رخنه کردن در باور فرد بر رفتار و فکر او اثر منفی می گذارند. یکی دیگر از عوامل مهم در اثرگذاری بر میزان تعهد زناشویی باورهای ارتباطی است. این باورها اگر به صورت کارآمد باشند می توانند میزان تعهد زوجین

را بهبود و حفظ کنند و اگر ناکارآمد باشند این تعهدات را برهم میزنند. اگر کانالهای ارتباطی زوجین در تعامل و دوستی شکل بگیرد میزان تعهد نیز بالا می باشد و آنها به یکدیگر تعهد بیشتری دارند. همچنین اگر زوجین از روابط صمیمی و جنسی خود با زوج خود رضایت داشته باشند میزان تعهد ناشویی آنها نیز در حد مطلوب قرار دارد چرا که زوجین نیازهای عاطفی برخاسته از ارزشیابی را از بعد مثبت دیده و نیازهای عاطفی طرف مقابل خود را برطرف می نماید و این صمیمیت و احساس آنها را به زندگی زناشویی متعدتر می سازد. بنابراین به طور اجمالی می توان گفت طرحواره ها اثرات منفی بر تعهدات زوجین می گذارند اما در عوض باورهای ارتباطی، الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی اگر در ابعاد مثبت و کارآمد شکل گیرد می تواند تعدات زوجین را افزایش و حفظ کند.



منابع و مآخذ

- اعتمادی، عذرا، جابری، سمیه، جزایری، رضوان‌السادات، احمدی، سید احمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، ۵ (۱۷)، ۶۳-۷۴.
- امانی، ا. عیسی نژاد، ا. و عزیز، آ. (۱۳۹۳). بررسی روابط ساختاری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و عامل‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی، فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۳۶ (۹)، ۴۵-۷۰.
- امانی، احمد و لطافتی بربیس، رامین (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوجین. دو فصلنامه مشاوره کاربردی، ۳ (۲)، ۱۷-۳۶.
- امانی، احمد، عیسی نژاد، عزیز، آرمان. (۱۳۹۴). بررسی روابط ساختاری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و عامل‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی، پژوهش‌های نوین روانشناختی، سال دهم، شماره ۳۷.
- برزگر، اسماعیل، سامانی، سیامک. (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای صمیمیت در رابطه بین الگوهای ارتباطی و کیفیت زندگی زناشویی. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، ۷ (۲۶)، ۱۱۵-۱۲۸.
- بیرامی، منصور؛ فهیمی، صمد؛ اکبری، ابراهیم و امیری پیچاکلائی، احمد. (۱۳۹۱). پیشینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۴ (۱)، ۶۴-۷۷.
- تقی یار، زهرا و پهلوان زاده، فرشاد، ۱۳۹۳، بررسی رابطه تعهد زناشویی و سبک‌های عشق ورزی با صمیمیت زناشویی، همایش ملی تحکیم بنیان خانواده و نقش زن، تهران

دیری، معصومه و خلعتبری، جواد، ۱۳۹۷، بررسی میزان تعهد زناشویی در دانشجویان براساس مولفه های روانی سبک دلبستگی، کمال گرایی و حل تعارض، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران

رضائیان، حمیدرضا، معصومی، سمیرا، حسینیان، سیمین. (۱۳۹۶). بررسی و مقایسه تمایز یافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در زوج های متقاضی طلاق و عادی. مشاوره کاربردی، ۷(۲)، ۱۷-۳۲.

شاکرمی، محمد؛ زهراکار، کیانوش و محسن زاده، فرشاد (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای سبک های حل تعارض در رابطه بین تحریف های شناختی بین فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی. فصلنامه پژوهش در سلامت روان شناختی، ۸(۲)، ۵۴-۶۳.

شمس الدینی هانیه، رفاهی ژاله. نقش پیش بینی کنندگی باورهای غیرمنطقی ارتباطی و مؤلفه های عشق بر دلزدگی زناشویی زنان. فصلنامه علمی پژوهش های مشاوره. ۱۳۹۵؛ ۱۵ (۶۰) ۱۹-۴۱:

شیخ الاسلامی علی، خداکریمی شهلا، داداش زاده مجید. پیش بینی تعهد زناشویی براساس رضایت جنسی، سلامت معنوی: نقش میانجی مسئولیت پذیری. دین و سلامت. ۱۳۹۶؛ ۵ (۱) ۲۱-۳۱:

فرج نیا، سعیده، حسینیان، سیمین، شهیدی، شهریار، صادقی، منصوره السادات. (۱۳۹۳). تهیه و ارزیابی ویژگی های روانسنجی مقیاس عملکرد جنسی زناشویی. مشاوره کاربردی، ۴ (۱)، ۱۰۲-۸۵

محسن زاده، فرشاد، کشاورز افشار، حسین، جهان بخشی، زهرا، حاج حسینی، منصوره. (۱۳۹۴). کیفیت رابطه زناشویی در پروفایلهای زوجی سبک حل تعارض، مطالعات فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، شماره ۳۲.

نامنی ابراهیم، عباسی فاطمه، زارعی احمد. پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک عشق‌ورزی و باورهای ارتباطی. رفاه اجتماعی. ۱۳۹۵؛ ۱۶ (۶۰): ۸۷-۱۰۷.

هادی، سعیده، اسکندری، حسین، سهرابی، فرامرزو، معتمدی، عبدالله، فرخی، نور علی. (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه (در افراد دارای روابط فرزان‌شویی عاطفی، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۷ (۲۸)، ۶۰-۳۳.

یوسفی، ناصر، کریمی پور، بنت الهدا، امانی، احمد. (۱۳۹۶). بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی، مشاوره کاربردی، ۷ (۱)، ۶۴-۴۷.

BURPEE, LC, & LANGER, E.J.(2013).MINDFULNESS AND MARITAL SATISFACTION, JOURNAL OF ADULT DEV, VOL.12, PP.43-51

BUSHMAN, W. (1998). THE RELATIONSHIP BETWEEN CONFLICT, LOVE AND SATISFACTONAL RELATIONSHIP BELIEFS, PROBLEM – SOLVING TECHNIQUES AND NEGOTIATING STRATEGES IN ROMANTIC RELATIONSHIP. PH. D.HOFSTRA UNIVERSITY.

CHAY, S. R. F., ZAREI, E., & POUR, F. (2014). INVESTIGATING THE RELATIONSHIP BETWEEN MALADAPTIVE SCHEMAS AND MARITAL SATISFACTION IN MOTHERS OF PRIMARY SCHOOL CHILDREN. ACADEMIC JOURNAL OF PSYCHOLOGICAL STUDY 3(2), 148-153,

CHENG, C. C. (2010). A STUDY OF INTER-CULTURAL MARITAL CONFLICT AND SATISFACTION IN TAIWAN. INTERNATIONAL JOURNAL OF INTERCULTURAL RELATIONS, 34(4), 354-362.

CHITHAMBO, T P., AND STANLEY J. , HUEY JR.(2017). INTERNET-DELIVERED EATING DISORDER PREVENTION: A RANDOMIZED CONTROLLED TRIAL OF DISSONANCE-BASED AND COGNITIVE-BEHAVIORAL INTERVENTIONS. INTERNATIONAL JOURNAL OF EATING DISORDERS.50(9), 995-1118.

COHAN, C. L, & KLEINBAUM, S, 2002, TOWARD A GREATER UNDERSTANDING OF PREMARITAL L COHABITATION AND MARITAL

COMMITMENT, JOURNAL OF MARRIAGE AND FAMILY, V. 64 (1), P. 180-193.

DATTILIO, F. M. (2015). COGNITIVE-BEHAVIOR COUPLE AND FAMILY THERAPY HAND BOOK. NEW YORK: ROUTLEDGE

ESERE, M.O., YEYEODU, A., OLADUN, C. (2014). OBSTACLES AND SUGGESTED SOLUTIONS TO EFFECTIVE COMMUNICATION IN MARRIAGE AS EXPRESSED BY MARRIED ADULTS IN KOGI STATE, NIGERIA, JOURNAL OF PROCEDIA-SOCIAL AND BEHAVIORAL SCIENCES, **114**, 134-132.

GOTTMAN, J. M. (2014). WHAT PREDICTS DIVORCE?: THE RELATIONSHIP BETWEEN MARITAL PROCESSES AND MARITAL OUTCOMES: PSYCHOLOGY PRESS

GOTTMAN, J.M. (2013). WHY MARRIAGES SUCCEED OR FAIL, AND HOW YOU CAN MAKE YOURS LAST, NEW YORK: SIMON & SCHUSTER.

